

تیترو

اوضاع در استان‌های سیل‌زده جنوب کشور مساعد نیست

## همچنان بحران!

افزایش قربانیان، روند صعودی تخریب منازل و تداوم انسداد راه‌ها

انتظار ۵ روزه در برخی روستاها برای رسیدن مواد غذایی و قطعی گاز در برخی شهرستان‌ها



نکاهامروز

## از یک تا ۴۰ میلیون بشمار!

حسین قدیانی

برای ثبت در تاریخ می‌نویسم: رهبری که چهارشنبه هفته پیش، باز هم بر لزوم قهر انقلابی با فتنه‌گران علیه ۴۰ میلیون رای انتخابات ۸۸



تاکید کردند و دوباره نشان دادند به این راحتی‌ها قصد گذشتن از حق‌الناس آرای مردم را ندارند، همان رهبری هستند که روز دوشنبه ۲۱ تیر ۷۸ در یک سخنرانی عمومی از حق شخصی خویش گذشتند، بنابراین آنچه برای حضرت آقا هیچ موضوعیتی ندارد، حب و بغض شخصی است و آنچه برای ایشان واجد اهمیت مضاعف است، حق و حقوق مردم است. سال ۸۸ قریب ۴۰ میلیون رای درون صندوق آرا ریخته شد لیکن جماعتی خواهان ابطال کل آن انتخابات شدند، چرا که رای اکثریت طبق میل‌شان نبود! بعضی از این جماعت‌گشتا خودشان دقیقاً با همین سازوکار رئیس‌جمهور شده بودند! با وجود این، بی‌هیچ سندی، نظام را متهم کردند به تقلب و «تقلب» را کردند «اسم رمز آشوب» تا دشمن خبیث ناظر بر ناآرامی چند خیابان مهم ام‌القرای جهان اسلام، فرصت را برای وضع تحریم‌های معروف به فلج‌کننده، مغنم بشمارد! جماعت وقیح، با فتنه بزرگ خود آبرویی از این مردم و از این نظام بردند که بعید می‌دانم در تمام عمر نزدیک به ۴۰ سال جمهوری اسلامی سابقه داشته باشد. حالاً اما چند ماه مانده به یک انتخابات ریاست جمهوری دیگر، نامه می‌نویسند که بیاید با ما آشتی کنید! البته این اقل از صداقت را هم ندارند، چرا که در دروغی دیگر، نام این «منت‌کشی» را «آشتی ملی» می‌گذارند! چرا آشتی ملی؟! راستش را بگویید که چند ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری باز هم بوی کیاب به مشام‌تان خورد! می‌خواهید دوباره با صندلی قدرت و میز دولت آشتی کنید، چرا دیگر از عنوان «آشتی ملی» استفاده می‌کنید؟! مگر ملت‌ها با وجود همه تفاوت‌های سلیقه‌ها و حتی اختلاف عقیده‌ها، همه با هم متحد و یکصدا هر سال ۲۲ بهمن را در شمالی حماسه‌های بزرگ‌تر از سالیان قبلیش برگزار می‌کنند، احتیاجی به چنین نسخه‌های دارند؟! مگر ملتی که با وجود رای به نامزدهای غیریکسان، وقت لزوم، حماسه ماندگار «دی ۹» را در یک صف واحد، سراسری و حقیقتاً ملی می‌آفریند، احتیاجی به چنین نسخه‌های دارند؟! مگر ملتی که روز انتخابات، صف دور و دراز و پرمرز و راز رای‌گیری را مبدل به خاری در چشم دشمن قسم خورده می‌کند، احتیاجی به چنین نسخه‌های دارد؟! پس اگر چند ماه مانده به انتخابات، دوباره دل‌تان هموس «پست» کرده است این همه «پست» نباشید و آنچه «هست» را بگویید نه آنچه «نیست» نه! این مردم با هم قهر نیستند که اندک نیازی به نسخه «آشتی ملی» داشته باشند! آنچه اما «هست» فی‌الواقع تمنای شما برای نشستن دوباره روی صندلی است! یعنی هنگام منت‌کشی هم حاضر نیستید برای لحظه‌ای از برج عاج تکبرتان پایین بیایید و بدون هزینه از واژه مقدس «ملی» مایه از خود غیرملی‌تان بگذارید؟! ممنون می‌شویم نجس نکند این واژه مطهر را! از جمله مهم‌ترین مظاهر «ملی» همین صف دشمن‌شکن روز انتخابات است که شما اندک حرمتی برایش نگه نداشتید و ۴۰ میلیون رای شمارش شده را به هیچ گرفتید و با پرهیز از پیگیری اعتراض‌تان از مجاری قانونی، رسماً ثابت کردید که «انتخابات پنهان است» اصل نظام نشانه است!

گزارش «وطن امروز» از کارنامه وزیر راه و شهرسازی که امروز در مجلس استیضاح می‌شود

# بیراه

دیدگاه

از زمانی که نام شرکت فرانسوی «توتال» بر زبان مقامات دولت یازدهم جاری شد، کارشناسان و افراد آگاه به سابقه و کارنامه این شرکت، ضمن ابراز تعجب از تصمیم دولت آقای روحانی برای همکاری مجدد با آن، درباره تکرار فجایع گذشته هشدار داده و وزارت نفت را از این امر، نهی کردند. مخالفت‌های کارشناسان در رابطه با ورود مجدد توتال به حوزه نفت و گاز ایران، عمدتاً حول ۲ محور بود؛ نخست اینکه منتقدان توتال را یک مجموعه فاسد می‌دیدند. فساد این شرکت فرانسوی به دلیل رشوه‌دهی به برخی مقامات دولت اصلاحات و «آسازده بانفوذ» برای اخذ پروژه‌های نفتی و گازی در ایران، مسجل بوده به نحوی که این پرونده ابعاد بین‌المللی نیز یافته و این شرکت فرانسوی با پذیرش اتهام در وزارت دادگستری آمریکا، محکوم به پرداخت ۳۹۸ میلیون دلار جریمه شده بود. وزارت دادگستری آمریکا طی بیانیه‌ای در تاریخ ۲۹ مه ۲۰۱۳ / ۸ خرداد ۹۲، اعلام کرد شرکت فرانسوی نفت و گاز توتال برای حل‌وفصل اتهامات مربوط به پرداخت رشوه به مقام‌های دولت ایران، بسا پرداخت بیش از ۳۹۸ میلیون دلار جریمه موافقت کرده است. طبق این بیانیه شرکت توتال بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ میلادی/ ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳، از طریق واسطه‌هایش، به مقام‌های ایرانی حدود ۶۰ میلیون دلار رشوه پرداخت کرده تا قرارداد توسعه چند میدان نفت و گاز را به دست آورد. ۱۶ میلیون دلار از این مبلغ در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان ارائه «خدمات مشاوره» و برای ورود مجدد توتال به بازار ایران و همکاری با شرکت ملی نفت ایران در بهره‌برداری از میدان‌های نفتی سیرسی A و B پرداخت شده است. بر اساس بیانیه وزارت دادگستری آمریکا توتال همچنین در سال ۱۹۹۷ برای توسعه بخشی از میدان گازی پارس جنوبی ۴۴ میلیون دلار رشوه پرداخته است. آخر ماه ۹۳،

## برجام گازی

سیداسر جبرائیلی



حتی دادستانی پاریس نیز به عنوان دستگاہ قضایی کشور مادر توتال اعلام کرد در رابطه با این پرونده رشوه‌دهی، توتال را دادگاهی خواهد کرد. با این همه اما مع‌الاسف در ایران هیچ پرونده‌ای علیه توتال گشوده نشد تا اینکه جناب آقای زنگنه به وزارت نفت رسید و در کمال تعجب صلاحیت این شرکت را برای انجام پروژه‌های نفت و گاز در ایران تأیید کرد. دلیل دوم مخالفت کارشناسان با ورود توتال به ایران، خیانت این شرکت به ایران در همین پروژه‌هایی بود که با پرداخت رشوه صاحب آنها شده بود. بررسی سابقه حضور توتال در ایران به ما می‌گوید این شرکت هم در میدان نفتی سیرسی و هم در پروژه گازی پارس جنوبی به ایران خیانت کرده است. توتال در برنامه توسعه میدان سیرسی با این ادعا که ضریب بازیافت میدان ۵۵ درصد است، به ایران اطمینان داد ۱۲۰ هزار بشکه به ظرفیت تولید ایران خواهد افزود اما بدون توجه به تولید صیانتی و به حداکثر رساندن منافع ایران، ضربه مخزنی بزرگی به این میدان زد و باعث شد تولید از این میدان هیچ‌گاه به بیش از ۷۰ هزار بشکه در روز افزایش نیابد. در پارس جنوبی نیز با اخلاف در شیوه برداشت گاز از پارس جنوبی، ایران را به مدت ۱۰ سال از برداشت گاز از این حوزه محروم کرد تا در آن سوی مرز، منافع و درآمدهای قطر از این میدان مشترک به حداکثر برسد. بسا وجود این پرونده فساد و کارنامه خیانت و به‌رغم اعلام آمادگی شرکت‌های داخلی برای انجام پروژه‌های نفتی و گازی، آقای زنگنه، وزیر نفت دولت آقای روحانی، با بهانه‌های واهی دست رد به سینه شرکت‌های داخلی زد و مجدداً وارد



عکس: عبدالعزیز پلاچی اینژ

قطر باخبر شده و آن را در دادگاه ثابت کنید؟ انبوهی از اسناد و شواهد درباره مفاسد و خیانت‌های توتال در چند سال اخیر در رسانه‌های کثیرالانتشار منتشر شده و کارشناسان متعددی صراحتاً با بازخوانی کارنامه توتال، به دولت درباره عواقب مشارکت با این شرکت هشدار داده‌اند. لذا به هیچ عنوان نمی‌توان و نباید از کنار این افتضاح گازی بسادگی عبور و مقصران را به حال خود رها کرد و البته که این مسئولیت تنها متوجه شخص آقای زنگنه نیست، دستگاه‌های نظارتی از جمله مجلس محترم اگر اقدام درخوری در رابطه با این فاجعه انجام ندهند، به همان نسبت و بلکه بیشتر مسئولند. نام این افتضاح گازی، جز «برجام گازی» نیست. الگوی اعتماد بیش از حد به غربی‌ها به‌رغم وضوح کامل سابقه خیانت و بدعهدی آنها، اگر در توافق هسته‌ای، به برجام منجر شد و کشور را دچار خسران کرد، همان الگوی اعتماد به همان غربی‌های بدسابقه و بدعهد، در وزارت نفت دولت آقای روحانی نیز، این افتضاح عظیم گازی را رقم زد. اگر در این مدل تجدیدنظر نشود، باید منتظر خسارات سنگین‌تری نیز بود. کسانی باید مدیریت اقتصاد ایران را به عهده بگیرند که شرکت‌های سودجو و خائن بیگانه را رها کنند و شرکت‌های تومند داخلی را در بیاوند. هم برای توسعه میدان آزادگان و هم برای فاز ۱۱، شرکت‌های داخلی اعلام آمادگی کرده‌اند اما لیبیرال‌های ایرانی چنان شیفته و فریفته غربند که نتوانستند ایرانی را ببینند و از این بحرانی مواجه شوند، به خطه‌خوانی و دلسوزی و اشک‌ریزی بپردازند و همه کاسه و کوزه‌ها را بر سر رقیب احتمالی خرد کنند؛ رقیبی که سوی بررسی قوت و ضعف عملکردش، خود در زمینه مدیریت بحران معترف به ضرورت عذرخواهی از مردم است. قالیباف اخیراً گفته بود در کشور در شهرستان‌ها فرماندارها ریاست بحران را بر عهده دارند اما در شهر تهران استثنائاً رئیس مدیریت بحران شهردار است. باید این نکته را بپذیریم که خود مدیریت بحران در کشور دچار بحران است. جایی که باید از مردم عذرخواهی کنیم مدیریت بحران است نه حادثه پلاسکو.

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱

www.vatanemrooz.ir

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی!

0 107354 683291



یادداشت امروز

## مدیریت بحران و پیرمردهای میلیاردی!

امیر استکی

روزهای زیادی از انتخاب جناب حسن روحانی به سمت ریاست جمهوری نگذشته بود که جناب نوبخت، سخنگوی دولت یازدهم اظهار نظر بسیار جالبی انجام داد. نوبخت گفت اکنون زمان آن رسیده است که یک «به جای خود» بدهیم تا همه مدیران لایق و کاردان و کاربلدی که در دولت‌های نهم و دهم به حاشیه رانده شده‌اند به جای خود برگردند و چرخ مملکت را درست و با قدرت بگردانند. اظهار نظری که در دل فضایی که از وضعیت کشور ساخته شده بود بیان می‌شد. فضایی که جناب روحانی معتقد بود «مملکت مدیری نه خواهد نه نوکر!» وضعیتی که در آن جمله مشکلات کشور را ناشی از بی‌تجربگی و بی‌سواد و بی‌تخصصی مدیران کشور می‌دانست. مدیرانی که ادعا می‌شد یکباره و بدون طی مدارج رشد و ترقی و با خط و ربط‌های سیاسی به مناصب رسیده‌اند و اگر چه اکثرشان مدارک معتبر رده بالای علمی در زمینه‌های کاری خود داشتند ولی از تجربه و کاردانی بی‌بهره بودند. مدیرانی که فضاهای مدیریتی کشور را به ناحق اشغال کرده بودند و یک «به جای خود» لازم بود تا مدیران پر تجربه و قدر از پستوی طرد بیرون بجهند و کارها را بسلمان کنند. «به جای خود» به سرعت انجام شد و حاصلش بازگشت یک لشکر از پیرمردهای میلیاردی به مناصب مدیریتی کشور بود. افتخارهای لب بامی که به مدد بازگشت آش و کاسه سابق، دوباره طلوع کرده‌اند تا مملکت را از ویرانه‌ای که برای مردم تصویر می‌کردند به گلستانی که وعده می‌دادند، تبدیل کنند. شاید آمده بودند همه کارهایی را که در همه سی سال مدیریت انجام نداده‌اند، این روزها انجام دهند. البته براساس فضایی که درباره ویرانی همه‌جانبه مملکت به دست نااهلان غیرخودی بی‌سواد نالایق ساخته‌اند، اگر موفق شوند کاری بکنند از شدت قدرت مدیریت و توان و عرضه و لیاقت‌شان است و اگر نتوانند هم، آن شدت ویرانی و تقصیر قبلی‌هاست. حالا با گذشت نزدیک به ۴ سال از آن به جای خود هنوز هم گله می‌شویم مشکلات تقصیر دولت قبل است ولی از آنجایی که مشکلات زیادی هست که در همین سال‌ها ایجاد شده است باید یک راه‌حل جایگزین برای حواله‌کرد آنها پیدا کرد. بهترین راه‌حل همانا فراقتنی و عوض کردن بحث است. مثل آن مدیر محترمی که در شرایطی که کوزرستان در حال مدفون شدن در زیر خروارها گرد و خاک است به جای پاسخگویی در این رابطه و لاقلاً عذرخواهی از نبود امکان عملی حل این مشکل در کوتاهمدت (!) فراقتنانه به ریختن اشک شوق برای نجات توله‌سگ‌های بی‌زبان مشغول است. شاید حق داشته باشد و پیش وجدان خودش با آرامش بتواند مدعی شود ریزگردها نه ربطی به من دارند و نه من قدرتی برای مقابله با آنها دارم ولی حق ندارد این استدلال را فقط زمانی که به منفعتش است استفاده کند. مثلاً وقتی فلان رقیب محتمل سیاسی برای دولت در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو در زیر مجموعه مدیریتی‌اش با بحرانی مواجه شود، به خطه‌خوانی و دلسوزی و اشک‌ریزی بپردازد و همه کاسه و کوزه‌ها را بر سر رقیب احتمالی خرد کند؛ رقیبی که سوی بررسی قوت و ضعف عملکردش، خود در زمینه مدیریت بحران معترف به ضرورت عذرخواهی از مردم است. قالیباف اخیراً گفته بود در کشور در شهرستان‌ها فرماندارها ریاست بحران را بر عهده دارند اما در شهر تهران استثنائاً رئیس مدیریت بحران شهردار است. باید این نکته را بپذیریم که خود مدیریت بحران در کشور دچار بحران است. جایی که باید از مردم عذرخواهی کنیم مدیریت بحران است نه حادثه پلاسکو.

مورد ریزگردها و خوزستان و خاتم ابتکار و توله‌سگ‌ها را برای این مطرح کردیم که مدیره مذکور خود از خطه‌خوانان اساسی حادثه پلاسکو بود و خب، آن مایه از انصاف را هم ندارد که لاقلاً در زمینه مدیریت بحران، معترف به ضعف و ضرورت عذرخواهی از مردم باشد. اما از این دست حوادث غیرمترقبه بحران‌ساز آیا در کشور در این روزها کم داشته‌ایم؟ واقعا چه کردید شما با حرمت آن مادر شهید که صبح علی‌الطالع، تصویر جگر گوشه شهیدش را دست می‌گیرد و... ادامه در صفحه ۵